

تأثیر ویژگی‌های سیاسی شرکت بر حق‌الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران

الهه ناظمی^۱، مهدیه شکریان برنجستانکی^۲ و ابوالفضل سلیمانی^۳

^۱ کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور، نور، ایران.

Elahenazami@yahoo.com

^۲ مربی گروه حسابداری موسسه آموزش عالی فروردین، قائمشهر، ایران.

Mahdieh.shokrian@gmail.com

^۳ مربی گروه حسابداری موسسه آموزش عالی آبان هراز، آمل، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

درخواست گسترده‌ی سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان برای انجام حسابرسی شرکت‌ها منجر به اهمیت این حرفه و ویژگی‌های مربوط به آن شده است. در همین راستا هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر متغیرهای عدم تقارن اطلاعاتی و معاملات با اشخاص وابسته و ارتباطات سیاسی به عنوان نماینده‌های ویژگی‌های سیاسی شرکت، بر حق‌الزحمه و کیفیت حسابرسی است. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بوده و اطلاعات ۸۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در ۲۰ صنعت مختلف طی دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد متغیر عدم تقارن اطلاعاتی هیچ رابطه‌ی معناداری با حق‌الزحمه حسابرسی ندارد اما با کیفیت حسابرسی رابطه‌ی مثبت و معناداری دارد. متغیر ارتباطات سیاسی بر روی حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر منفی و معناداری می‌گذارد اما بر روی کیفیت حسابرسی هیچ تأثیری نمی‌گذارد. معاملات با اشخاص وابسته نیز با حق‌الزحمه حسابرسی رابطه‌ی مثبت و معناداری دارد و اما با کیفیت حسابرسی رابطه‌ی معناداری ندارد. در مورد متغیرهای کنترلی تحقیق نیز می‌توان گفت هر دو متغیر سن شرکت و اندازه شرکت با حق‌الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی رابطه‌ی مثبت و معناداری دارند.

واژه‌های کلیدی: ارتباطات سیاسی، حق‌الزحمه حسابرسی، عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت حسابرسی، معاملات با اشخاص وابسته.

۱- مقدمه

اطلاعات همواره ابزاری مهم در تصمیمات اقتصادی به شمار می‌آید. در این میان صورت‌های مالی مهم‌ترین منبع اشخاص برون سازمانی به ویژه سرمایه‌گذاران می‌باشد (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲) که اطلاعات مهمی را در اختیار آن‌ها می‌گذارد (جانسون و دراگ^۱، ۲۰۰۴). متأسفانه در سال‌های پایانی قرن بیستم میلادی و در آستانه ورود به قرن بیست و یکم، ورشکستگی شرکت‌های عظیمی نظیر انرون، وردکام، آدلفی، سیسکو، لیوسنت و زیراکس، سیستم گزارشگری مالی را با بحران مواجه کرد. ورشکستگی چنین شرکت‌هایی باعث نشانه رفتن انگشت اتهام به سوی گزارشگری مالی شد (بولو، ۱۳۸۵). افزایش تقلب‌ها که با ورشکستگی شرکت‌های بزرگ جهانی درهم آمیخته بود، نگرانی‌هایی را در خصوص کیفیت گزارش‌های مالی به همراه داشت. حرفه حسابداری و حسابرسی برای چاره‌جویی در این باره به تدوین راهکارهایی از جمله قانون ساربنزاکسلی همت کرد. این قانون، سبب پیدایش مرجع نظارتی پر قدرتی به نام هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام برای نظارت حرفه‌های حسابداری و حسابرسی شده است. وظیفه این هیئت تدوین استانداردهای جدید حسابرسی، تعیین اصول حسابداری قابل استفاده، تدوین استانداردهایی که سبب افزایش کیفیت حسابرسی و آیین رفتار حرفه‌ای حساب‌برسان شود، بوده است (کوهن و همکاران^۲، ۲۰۰۸).

بدلیل این دستکاری‌های گزارش‌های مالی توسط مدیریت شرکت‌ها که در گذشته وجود داشته است (تاری وردی و همکاران، ۱۳۹۳) تمامی سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذینفعان در مورد نحوه عملکرد و یا ارزش شرکت دچار نگرانی‌هایی در مورد کیفیت اطلاعات شده‌اند (دی‌زورت و همکاران^۳، ۲۰۰۲). از آنجایی که اغلب مدیران به منظور همراه ساختن سهامداران نسبت به عملکرد اقتصادی واقعی شرکت، سود را مدیریت می‌کنند، سبب افزایش ریسک و عدم اطمینان سرمایه‌گذاران و منجر به عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش کارایی سرمایه‌گذاری می‌گردند (مکنیکولز و استابن^۴، ۲۰۰۸). پس می‌توان نتیجه گرفت که اطلاعات با کیفیت علاوه بر آنکه باید قابل اتکا، مربوط و به موقع باشد همانطور نیز می‌بایست به نحو مناسب توزیع شده و موجب کاهش عدم تقارن اطلاعات گردد (دی‌زورت و همکاران، ۲۰۰۲). همگام با اهمیت عدم تقارن اطلاعاتی رسوایی‌های اخیر در ارتباط با معاملات با اشخاص وابسته نیز یکی از نگرانی‌های عمده‌ی ذینفعان شرکت‌های سهامی است که اغلب ناشی از معاملات تجاری پیچیده‌ی ناهمگون بین شرکت، سرپرستان، مدیران و یا صاحبان اصلی شرکت می‌باشد (دارابی و داوودخانی، ۱۳۹۴). اغلب استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی شرکت‌ها بدلیل عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سایر ذینفعان، به تعارضات نمایندگی احتمالی معاملات با اشخاص وابسته در تصمیمات خود توجه می‌کنند. استفاده هدفمند از این معاملات و عدم افشای آن‌ها یا کافی نبودن افشا از عوامل سقوط شرکت‌ها می‌باشد (دارابی و داوودخانی، ۱۳۹۴).

یکی دیگر از عوامل بسیار مهم و قابل توجه که کیفیت گزارشگری مالی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، ارتباطات سیاسی بنگاه‌های اقتصادی است (چانی و همکاران^۵، ۲۰۱۲). صورت‌های مالی علاوه بر اینکه طبق اصول پذیرفته شده‌ی حسابداری تهیه می‌شوند، تحت تاثیر قدرت‌ها و رابطه‌های سیاسی نیز قرار می‌گیرند. قدرت‌های سیاسی ناشی از روابط بین مدیران با سیاستمداران و یا وجود مستقیم سیاستمداران در تصمیم‌گیری‌های آن شرکت می‌باشد. همانند نظر کلاهی و کاردان (۱۳۸۷) سیاست در شرکت‌ها به عنوان وسیله‌ی ارتباط بین نیت، اعمال و نتایج است. شرکت‌ها علاقه‌ی زیادی به برقراری ارتباط با دولت و سیاستمداران دارند و این ارتباطات یک منبع مهم ارزش برای آنان است. طبق نظر نیکومرام و همکاران (۱۳۹۲) روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تاثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی و تهیه صورت‌های مالی تحت تاثیر قرار می‌دهد، که انتظار می‌رود این امر در نهایت باعث ایجاد تفاوت‌های چشمگیر، در کیفیت صورت‌های مالی شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های بدون روابط سیاسی گردد. در نتیجه طبق نظریه اقتصاد سیاسی، روابط سیاسی تاثیرات بسزایی بر فعالیت‌های اقتصادی و گزارشگری مدیران می‌گذارند.

حسابرسی یکی از ارکان با اهمیت حاکمیت شرکتی می‌باشد که می‌تواند به عنوان ابزار کنترل‌کننده‌ی نگرینسته شود که قابلیت محدود کردن انگیزه‌های مدیریت در راستای دستکاری اقلام گزارش‌های مالی و اقدامات فرصت‌طلبانه‌ی آن‌ها را دارد. از نظر آسباق و وارفیلد^۶ (۲۰۰۳) نیز، تمامی ذینفعان اعم از سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان، برای ارزیابی عملکرد مالی

واحدهای تجاری و تصمیم‌گیری در مورد موقعیت‌های متفاوت سرمایه‌گذاری، به نتایج حسابرسی انجام شده به وسیله حسابرسان مستقل اتکا می‌کنند. به همین دلیل، هرچه کیفیت حسابرسی بیش‌تر باشد، ارزش، اعتبار و قابلیت پذیرش آن به وسیله استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی افزایش می‌یابد.

یکی از مواردی که هم‌راستا با کیفیت حسابرسی در حال حاضر توجه بسیاری را به خود جلب کرده است حق‌الزحمه‌ی حسابرسی می‌باشد. زیرا حق‌الزحمه حسابرسی برای بسیاری از ذینفعان، مانند سهامداران اقلیت و عمده، اعضای هیات مدیره، مدیران و شرکای شرکت حسابرسی بسیار با اهمیت است؛ و مقدار آن می‌تواند در برنامه‌ریزی، اجرای مناسب، بهره‌گیری از حسابرسان با تجربه و متخصص و در نهایت کیفیت کار حسابرسی موثر واقع شود. برای تعیین حق‌الزحمه حسابرسی عوامل متعددی می‌توانند تاثیرگذار باشند. قاعدتا هرچه کار حسابرسان پیچیده‌تر، سخت‌تر و طولانی‌تر باشد، به همان میزان شرکت حسابرسی حق‌الزحمه‌ی بیشتری را از صاحبکار طلب می‌نماید.

بنابر توضیحات داده شده و اهمیت کیفیت حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی برای تمامی ذینفعان اعم از سرمایه‌گذاران آتی و سهامداران بالفعل، حتی حسابرسان، نیاز دانسته شده است که تاثیر عواملی مانند عدم تقارن اطلاعاتی، ارتباطات سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته را بر روی حق‌الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی مورد بررسی قرار گیرند.

۲- مبانی نظری و پیشینه‌های تحقیق

امروزه به دلیل گسترش بازارهای مالی و رونق سرمایه‌گذاری در بازارهای سرمایه، مهمترین ابزار جهت اتخاذ تصمیمات درست و استفاده بهینه و مطلوب از امکانات مالی، دسترسی به اطلاعات درست، بموقع و تحلیل دقیق و واقع‌بینانه آن، است (جلیلی و قیصری، ۱۳۹۳). در مفاهیم نظری گزارشگری مالی، هدف تهیه صورت‌های مالی، به عنوان هسته اصلی گزارشگری مالی، این‌طور تعریف شده است: ارائه اطلاعاتی تلخیص و طبقه‌بندی شده درباره وضعیت، عملکرد و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری است که برای طیف گسترده، از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در اتخاذ تصمیمات اقتصادی مفید واقع شود (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۹۶). اما، با گسترش بازار سرمایه و جدایی مالک از مدیر، مشکلات نمایندگی و بحث تئوری نمایندگی به وجود آمد. یکی از مشکلات نمایندگی، مخاطرات اخلاقی بوده است. در این تئوری چنین بیان شده است که مدیران می‌توانند صورت‌های مالی را برای حداکثر کردن منافع خود دستکاری نمایند و از ارزش اطلاعات بکاهند. این مشکل وقتی به وجود می‌آید که نماینده و یا مدیر، طبق منفعت شخصی خود انگیزه پیدا می‌کند تا از شرایطی که وضع شده سوء استفاده نماید، زیرا معمولا مالکان اطلاعات کافی در مورد اجرای قرار داد و انجام تمامی عملیات لازم توسط نماینده را ندارند. بنابراین مدیری که به طور ناقص بر روی آن نظارت و کنترل می‌شود، تمایل پیدا می‌کند تا رفتار فریبکارانه و یا نامطلوب داشته باشد (لی، ۲۰۱۰). یکی از نتایج مشکلات نمایندگی نیز می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی باشد (اسکات^۸، ۲۰۰۴). کورمیر و همکاران^۹ (۲۰۱۳) بیان کردند که زمانی دستکاری مدیریت در صورت‌های مالی از جمله دستکاری در سود و رابطه‌ی آن با عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد که شرکت مدیران را تحت نظارت شدید قرار داده باشند. به‌تازگی و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۷) در این راستا دریافتند که یکی از نشانه‌های عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت سود پایین است.

اغلب شرکت‌ها، فعالیت‌های خود را از طریق واحد فرعی، مشارکت خاص و هم‌چنین شرکت‌های وابسته به خود انجام می‌دهند. در همین راستا یکی از فعالیت‌هایی که مدیران (شرکت‌ها) در جهت منفعت خود می‌توانند انجام دهند معاملات با اشخاص وابسته می‌باشد. رابطه با اشخاص وابسته می‌تواند نتایج وضعیت مالی و اقتصادی شرکت‌ها را تحت‌الشعاع قرار دهد (کورلاسیا و تودور^{۱۱}، ۲۰۱۱). شرکت‌ها به دو دلیل اقدام به معاملات با اشخاص وابسته می‌کنند. اولین دلیل که بسیار خوش-بینانه است، حداقل کردن هزینه معاملات برای شرکت است که این مورد در بازارهای توسعه نیافته بیشتر صورت می‌گیرد (ریموند و خانان^{۱۲}، ۱۹۸۸). این نوع از معاملات را معاملات عادی و سالم با اشخاص وابسته می‌گویند. دومین دلیل، استفاده از معاملات با اشخاص وابسته برای دستکاری در صورت‌های مالی به ویژه سود عملیاتی است. به این نوع معاملات، معاملات غیرعادی و یا اضافی با اشخاص وابسته می‌گویند (خدای پور و همکاران، ۱۳۹۱). در تقابل با این دیدگاه متاسفانه قانونی وجود ندارد که معاملات با اشخاص وابسته به طور کامل ممنوع شود (دجانکوف و همکاران^{۱۳}، ۲۰۰۸).

از نظر مین‌جونگ و همکاران^{۱۴} (۲۰۱۴) معاملات با اشخاص وابسته به طور میانگین ارزش شرکت را پایین می‌آورد و اما این کاهش ارزش زمانی رویت می‌شود که کنترل مالکیت زیاد باشد. تقلب مدیر می‌تواند در تمام سطوح مدیریت باشد مانند اختلاس، معاملات داخلی، معامله با بستگان مدیران دیگر که به عنوان معامله با اشخاص وابسته معروف است و نیازمند افشا است، اظهارات غیرواقعی، عدم افشای حقیقت و مخفی کردن آن. در نهایت، این اعمال باعث گمراهی ذینفعان و استفاده-کنندگان از اطلاعات مالی می‌شود (زهرا و همکاران^{۱۵}، ۲۰۰۷). بر اساس نظریه‌ی اقتصاد سیاسی اطلاعات حسابداری تنها برای حمایت از گروه‌های خاصی از جمله سیاسی و اجتماعی و اقتصادی تهیه می‌شود. بر طبق این نظریه، این اطلاعات به صاحبان قدرت کمک می‌کند تا به نفع شخصی خود از آن استفاده کنند (ابیسکرا^{۱۶}، ۲۰۰۳). در کشورهای در حال توسعه که سیستم‌های اقتصادی آن‌ها غالباً مبتنی بر روابط است، یکی از عوامل اساسی که نسبت به عوامل دیگر، بر انگیزه‌های مدیریت در گزارشگری مالی تاثیر می‌گذارد عامل سیاسی بودن مدیران و مالکان شرکت‌ها می‌باشد (نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲).

برخی دیگر، بر این باورند که انگیزه‌های شرکت‌ها از فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری ممکن است سیاسی باشد و بدین طریق می‌خواهند با برخی از مقامات سیاسی و محلی رابطه برقرار کنند تا امتیازاتی در راستای اهداف اقتصادی کسب نمایند (حساس یگانه و برزگر، ۱۳۹۲). رفتارهای سیاسی ماهیتی منفعت‌طلبانه دارند و لذا اعضای سازمان که درگیر فعالیت‌های سیاسی سازمانی می‌شوند می‌کوشند با استفاده از تاکتیک‌های گوناگون سیاسی، منافع خود را حفظ کنند یا توسعه بخشند (اشفورس و لی^{۱۷}، ۱۹۹۰). فرآیند سیاسی همچنین روشی برای رفع قصور سازوکار بازار یعنی عدم افشای کافی شرکت‌ها است. دیدگاه دیگر بر مبنای این فرض است که افراد در فرآیند سیاسی، همانند افراد در بازار در جهت منافع خودشان عمل می‌کنند. طبق این نظریه، فرآیند سیاسی، رقابت بین افراد برای انتقال ثروت است (رحمانی و شاهزیدی، ۱۳۸۶). از نظر نیکومرام و همکاران (۱۳۹۲) نیز سهامداران عمده و مدیرانی که با کانون‌های قدرت سیاسی مرتبط هستند، می‌توانند بر عملکرد مالی شرکت متبوع خود تاثیرگذار باشند. این موضوع به طور بالقوه کیفیت اطلاعات حسابداری را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

بنابردلایل ذکر شده در مطالب قبل، می‌توان گفت از دیدگاه سرمایه‌گذاران، اطلاعاتی قابل اتکا تلقی می‌شود که یک سازمان مستقل بر فرآیند گزارشگری شرکت‌ها و مرکز ثقل این فرایند یعنی صورت‌های مالی، نظارت نمایند. نمونه‌ای از این سازمان‌های مستقل، موسسات حسابرسی می‌باشند (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۴). به همین دلیل است که صورت‌های مالی که از طریق این موسسات، حسابرسی شده‌اند تنها منبع اطلاعاتی مورد قبول و قابل دسترس می‌باشند (لونتیس و همکاران^{۱۸}، ۲۰۰۵). حسابرسی با کیفیت بالا به عنوان یک ابزار نظارتی مهم از طریق کاهش هزینه‌های نمایندگی بنابر تضاد منافع بین مدیران و مالکان نقش موثری ایفا می‌کند (کریشن^{۱۹}، ۲۰۰۳؛ ریچلت و ونگ^{۲۰}، ۲۰۱۰). حسابرسی با کیفیت، با کمک به شرکت‌ها در ارائه گزارشگری مالی با کیفیت، سبب نظارت بهتر بر فعالیت‌های مدیریتی شرکت‌ها می‌شود (کیم و همکاران^{۲۱}، ۲۰۱۵). گان و همکاران^{۲۲} (۲۰۱۷) نیز در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که افزایش عدم تقارن اطلاعاتی منجر به تقاضا برای حسابرس با کیفیت بالاتر می‌شود. کیفیت حسابرسی بالاتر، از عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و مالکان کاسته و سهامداران را قادر می‌سازد تا کارایی و اثربخشی مدیران را بهتر ارزیابی نمایند که این می‌تواند تاثیر مثبتی بر ارزش شرکت دارد (کیم و همکاران، ۲۰۱۵).

در یک دیدگاه چنانچه عملیات حسابرسی به طور کامل مطابق با استانداردها و ضوابط تعیین شده باشد و توسط افراد واجد شرایط انجام شود، بیانگر کیفیت حسابرسی است (حسابرسی بین‌المللی و هیات استانداردهای تضمین^{۲۳}، ۲۰۱۱). از نظر حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۲) کیفیت که تعیین کننده عملکرد حسابرسی است تابع عوامل متعددی از قبیل: توانایی‌های حسابرسی (شامل دانش، تجربه، قدرت تطبیق و کارایی فنی) و اجرای حرفه‌ای (شامل استقلال، غیبت، مراقبت حرفه‌ای، تضاد منافع و قضاوت) است. در تحقیقات مختلف تا به حال از معیارهای مختلفی همچون، اندازه موسسه حسابرسی، حسن شهرت حسابرس، دوره تصدی حسابرس، تخصیص حسابرس در صنعت و ... برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی بهره گرفته‌اند (آقایی و ناظمی، ۱۳۹۱).

بر طبق نظر دی‌آنجلو^{۲۴} (۱۹۸۱) تقاضای استفاده از خدمات حسابرسان، برای موسسات حسابرسی سبب صرفه حق- الزحمه (صرفه اقتصادی) می‌شود. معمولاً این حق الزحمه را حسابرسان مشخص کرده، به صاحبکار خود اطلاع می‌دهند و بعد از موافقت صاحبکار و عقد قرارداد عملیات حسابرسی را شروع خواهند کرد.

حق الزحمه حسابرسی مبالغی است که شرکت‌ها بابت انجام امور حسابرسی و ارزیابی دفاتر حسابداری، صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی همراه آن‌ها و همچنین حسابرسی داخلی، عملیاتی، رعایت، قانونی و غیره به افراد و موسسات حسابرسی پرداخت می‌کنند.

با بررسی پیشینه‌ی پژوهشی در زمینه عوامل موثر بر حق الزحمه‌ی حسابرسی حاکی از آن است که عوامل موثر بر حق- الزحمه‌ی حسابرسی در بسیاری از پژوهش‌ها به دو گروه اصلی تقسیم شده است:

۱. عوامل مربوط به عرضه‌کنندگان خدمات حسابرسی مانند تخصص صنعتی موسسه‌ی حسابرسی، شهرت و اعتبار

موسسه‌ی حسابرسی، استقلال حرفه‌ای موسسه‌ی حسابرسی، اندازه‌ی موسسه‌ی حسابرسی و کیفیت حسابرسی.

۲. عوامل مربوط به متقاضیان خدمات حسابرسی مانند دعاوی حقوقی شرکت صاحبکار، شهرت و اعتبار شرکت

صاحبکار، اندازه‌ی شرکت صاحبکار، ریسک شرکت صاحبکار (ال هرشنی^{۲۵}، ۲۰۰۸)، و معاملات با اشخاص وابسته

که می‌تواند یکی از دلایل افزایش حق الزحمه حسابرسی باشد (حبیب و همکاران^{۲۶}، ۲۰۱۵) زیرا می‌توان چنین

استنباط کرد که معاملات با اشخاص وابسته باعث افزایش ریسک تقلب در صورت‌های مالی می‌شود و عدم موفقیت

در تشخیص این مورد می‌تواند برای حسابرسان هزینه‌بر از لحاظ اعتباری و قانونی، باشد (کالیک و میهو^{۲۷}، ۲۰۱۰).

روابط سیاسی مدیران شرکت‌ها و عدم تقارن اطلاعاتی نیز از موارد بسیار حساس در عملیات حسابرسی می‌باشند

که می‌توانند در حق الزحمه حسابرسان از دو جهت موثر واقع شوند. (۱) شرکت‌های دارای روابط سیاسی بدلالی

چون؛ دسترسی به قانونگذاران، و تاثیرگذاری بر آنان، استقراض بیشتر برای خود با مدت زمان بازپرداخت بلندتر یا

بازپرداخت سود کمتر، و در نهایت با سوء استفاده از جایگاه خود هم از لحاظ سیاسی و هم دلیل عدم تقارن

اطلاعاتی که نسبت به مابقی ذینفعان، از جمله سرمایه‌گذاران دارند، مشتاق به همکاری با حسابرسانی می‌باشند که

نتیجه گزارش حسابرسی مستقل خود را مطابق با میل آنان اعلام نمایند. قاعدتاً در این مورد حسابرسان خواستار

حق الزحمه‌ی بیشتری خواهند شد. (۲) در بعضی مواقع شرکت‌هایی که دارای روابط سیاسی می‌باشند، اعضای هیات

مدیره آن (که حداقل یک فرد از آن دارای مقام و مرتبه سیاسی یا وابسته به دولت) سعی در خوشنامی و جلب

اعتماد ذینفعان به ویژه سهامداران و ارگان‌های دولتی و نظارتی می‌نمایند. به همین دلیل برای جلوگیری از اقدامات

نابهنجار و افزایش اعتبار خود از حسابرسان با کیفیت بالاتر حسابرسی استفاده می‌کنند و بنابر تحقیق پورحیدری و

همکاران (۱۳۹۴) هرچه حسابرسان با کیفیت‌تر باشد حق الزحمه بیشتری نیز از صاحبکار درخواست می‌نمایند.

بنابر توضیحات داده شده نیاز دانسته شد برای روشن شدن روابط بیان شده تحقیقی در باب تاثیر ویژگی‌های سیاسی شرکت بر

حق الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی مورد بررسی قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

حبیب و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیقی به رابطه بین حق الزحمه حسابرسان و معاملات با اشخاص وابسته پرداختند. طبق

بررسی‌های انجام شده در تحقیق؛ نتایج حاکی از آن است که رابطه مثبت معناداری بین حق الزحمه حسابرسی و معاملات با

اشخاص وابسته وجود دارد. بدین صورت که برای خرید و فروش‌های اشخاص وابسته حق الزحمه حسابرسی بالاتر خواهد بود

ولی در صنایع رقابتی حق الزحمه حسابرسان با توجه به معاملات با اشخاص وابسته پایین‌تر می‌باشد.

یان و اکسی^{۲۸} (۲۰۱۶) به پژوهشی با عنوان چطور استرس کار حسابرسان بر کیفیت حسابرسی تاثیرگذار است؟

(شواهدی از شرکت‌های سهامی چین)، پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد، اولاً؛ استرس کار حسابرسان بر کیفیت حسابرسی

وخامت شدیدی برجا نمی‌گذارد. دوماً؛ بین استرس کار و کیفیت حسابرسی در حسابرسی اولیه از مشتریان جدید رابطه‌ی

معنادار منفی وجود دارد. سوماً؛ میزان درک و وجود استرس کار به ویژگی‌های فردی حسابرسان بستگی دارد. و همچنین

حسابرسان در شرکت‌های حسابرسی بین‌المللی و شرکای شرکت‌ها، نسبت به مابقی کارشناسان صنعت و دیگر حسابرسان، استرس بیشتری در مورد نحوه‌ی ارائه‌ی کار و کیفیت حسابرسی، دارند. هم‌چنین حسابرسان با قبول کار از شرکت‌های دولتی نسبت به کیفیت حسابرسی واکنش بیشتری نشان می‌دهند. در نهایت آنها بیان نمودند که شرکت‌ها برای بالا رفتن سطح کیفیت حسابرسی و در درآمد خود، باید به استرس ناشی از کار حسابرسان و تخصص حسابرسان به طور منطقی تصمیم‌گیری نمایند.

آرینینگروم و دیانتی^{۲۹} (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان تاثیر روابط سیاسی و اثر بخشی هیئت مدیره و کمیته‌های حسابرسی و هزینه حسابرسی انجام دادند. نتیجه تحقیق بیانگر آن بود که ارتباط سیاسی و اثر بخشی هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی می‌تواند به طور مثبتی هزینه‌های حسابرسی را تحت‌تاثیر قرار دهد.

لیو و همکاران^{۳۰} (۲۰۱۷) پژوهشی را با عنوان ارتباطات سیاسی، انتخاب حسابرس و شفافیت حسابداری شرکت: شواهدی از شرکت‌های بخش خصوصی در چین پرداختند. آنها دریافتند شرکت‌هایی که روابط سیاسی ضعیفی دارند به نسبت شرکت‌هایی که دارای روابط سیاسی قوی می‌باشند تلاش بیشتری برای استخدام و جذب حسابرسانی با کیفیت بالا و به ویژه دارای روابط سیاسی قوی می‌کنند. تعیین رابطه‌ی بین ارتباطات سیاسی و انتخاب حسابرس با کیفیت بالا و روابط سیاسی بالا، معکوس می‌باشد. البته این نتیجه در شرکت‌های که ساختار مالکیت آنها سبب مشکلات نمایندگی شده است به وضوح دیده می‌شود. در نهایت نتایج نشانگر رابطه‌ی معکوس بین ارتباطات سیاسی و شفافیت حسابداری نیز می‌باشد.

حبیب و همکاران (۲۰۱۷) تحقیقی با عنوان ارتباطات سیاسی، معاملات با اشخاص وابسته و انتخاب حسابرس در اندونزی پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان داد شرکت‌هایی که معاملات با اشخاص وابسته دارند از طریق ارتباطات سیاسی خود تمایل به انتخاب حسابرس کوچک (موسسات حسابرسی کوچک که از لحاظ کیفیت جزء برترین نیستند) استفاده کنند.

بونا سانچز و همکاران^{۳۱} (۲۰۱۷) به بررسی پژوهشی با عنوان معاملات با اشخاص وابسته، سهامداران عمده و ارزش شرکت پرداختند. این پژوهش در شرکت‌های اسپانیایی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که معاملات مالی و عملیاتی یا اشخاص وابسته سبب کاهش ارزش شرکت می‌شود. یعنی رابطه‌ی منفی بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت وجود دارد. هم‌چنین نشان داده شد که وجود سهامداران عمده سبب می‌شود تا به معاملات با اشخاص وابسته در آن شرکت‌ها توجه بیشتری شود.

وانگ^{۳۲} (۲۰۱۷) به بررسی کیفیت حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی از شرکت‌های سرمایه‌گذار مستقیم خارجی، پرداخته است. نتایج تحقیق وی نشان داد، مدیریت سود و نوسانات ویژه سبب کاهش سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود و این شرایط یکی از علل مدیریت مالکیت ناکارآمد می‌باشد.

الیستاراتوا و همکاران^{۳۳} (۲۰۱۸) ارتباط معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرسی را بررسی نمودند. نتایج نشان دهنده رابطه مثبت بین معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرسی می‌باشد. در واقع استدلال می‌شود معاملات با اشخاص وابسته، ریسک حسابرسی و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی را افزایش می‌دهد.

خدمی پور و همکاران (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی بر کیفیت حسابرسی انجام دادند. برای محاسبه کیفیت حسابرسی از دو معیار نوع گزارش حسابرس و اندازه حسابرس استفاده شد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد اگر برای محاسبه کیفیت حسابرسی از معیار نوع گزارش حسابرسی استفاده شود، هیچ رابطه معناداری بین هزینه‌های نمایندگی و کیفیت حسابرسی وجود ندارد و هم‌چنین رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت حسابرسی مثبت و معنادار شد؛ هنگامی که برای محاسبه کیفیت حسابرسی از معیار اندازه حسابرس استفاده شود، یک رابطه منفی و معناداری بین هزینه‌های نمایندگی و کیفیت حسابرسی وجود دارد. در واقع، با افزایش هزینه‌های نمایندگی از کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی کاسته می‌شود و نیز یک رابطه منفی و معنادار بین عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت حسابرسی وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت حسابرسی کاهش می‌یابد.

دارایی و داوودخانی (۱۳۹۴) در پژوهشی تاثیر معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت را بررسی نمودند. نتایج حاصل از تحقیق بیان می دارد که بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت رابطه ی معنادار و منفی وجود دارد. بین بازده نقدی سهام و اندازه ی هیئت مدیره با ارزش شرکت رابطه ی معناداری وجود ندارد و بین اهرم مالی با ارزش شرکت رابطه ی معناداری منفی و بین بازده دارایی ها با ارزش شرکت رابطه معنادار مثبتی وجود دارد.

حیدری و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر کیفیت حسابداری بر هزینه های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی: رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری انجام رسانده اند. نتایج حاکی از آن بود که با افزایش کیفیت خدمات حسابداری، تعارضات نشئت گرفته از تفکیک مالکیت از مدیریت، شامل هزینه های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی، کاهش می یابند. همچنین، براساس نتیجه ی دیگر، افزایش هزینه های نمایندگی، افزایش سطح عدم تقارن اطلاعاتی را به همراه دارد. مشایخی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی تاثیر کیفیت حسابداری داخلی بر حق الزحمه حسابداری مستقل را بررسی نمودند. نتایج حاکی از آن بود که صلاحیت حسابداری داخلی یعنی مدت تصدی و حضور آن در شرکت با حق الزحمه حسابداری رابطه معنادار منفی داشته و مهارت های محاسباتی و IT، مدارک حرفه ای و علمی، مدت ساعات آموزشی با حق الزحمه حسابداری رابطه ای ندارند. در کل نتایج حاکی از عدم تاثیر کیفیت حسابداری داخلی بر حق الزحمه حسابداری مستقل می باشد.

حیدری و همکاران (۱۳۹۶) به پژوهشی با عنوان بررسی نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی در تبیین رابطه ی بین کیفیت حسابداری و سیاست های تامین مالی پرداختند. نتایج حاکی از آن می باشد که کیفیت بالای خدمات حسابداری مستقل، تمایل شرکت ها به تامین مالی از محل انتشار سهام عادی را افزایش می دهد. هم چنین، نتایج نشان داد که کیفیت حسابداری اثر معناداری بر عدم تقارن اطلاعاتی ندارد. از این رو، متغییر عدم تقارن اطلاعاتی رابطه ی بین کیفیت حسابداری و سیاست های تامین مالی را میانجی گری نمی کند و این که بین عدم تقارن اطلاعاتی و ساختار سرمایه نیز رابطه ی معناداری مشاهده نشد.

مهربان پور و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی اثر روابط سیاسی شرکت ها بر بکارگیری معاملات غیر عادی با اشخاص وابسته پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که روابط سیاسی، بطور معناداری موجب کاهش اعطای اعتبار و فروش غیر عادی به اشخاص وابسته می شود. همچنین، براساس شواهد تجربی بدست آمده، روابط سیاسی، مدیریت سود از طریق اعطای اعتبار غیر عادی به اشخاص وابسته را بطور معناداری کاهش می دهد. با این وجود، روابط سیاسی تاثیر معناداری بر مدیریت سود از طریق فروش غیر عادی به اشخاص وابسته ندارد.

عباس زاده و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان رقابت در بازار محصول، معاملات با اشخاص وابسته و بهای خدمات حسابداری انجام داده اند. نتایج پژوهش آن ها نشان داد میان معاملات با اشخاص وابسته و بهای خدمات حسابداری رابطه ی مثبت و معناداری وجود دارد و رقابت در بازار محصول، موجب کاهش این رابطه نمی شود.

عابدینی و خلفیان (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان معاملات با اشخاص وابسته، مالکان اصلی و ارزش شرکت انجام داده اند. نتایج نشان داد معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت ها دارای اثر منفی و معناداری است. همچنین مالکیت مدیریتی و نهادی دارای اثر مثبتی بر ارزش شرکت ها می باشند و این امر در حالی است که مالکیت خانوادگی دارای اثر منفی بر ارزش شرکت است.

محسنی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان ارتباطات سیاسی و هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام داده اند. نتایج نشان داد که بین ارتباطات سیاسی و هزینه سرمایه حقوق صاحبان شرکت ها، رابطه منفی و معنی داری وجود دارد.

۳- فرضیه های پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح شده و پژوهش های پیشین، فرضیه های پژوهش به شرح زیر تدوین شده است:
فرضیه اول: بین عدم تقارن اطلاعاتی و حق الزحمه حسابداری رابطه ی معناداری وجود دارد.

- فرضیه دوم: بین ارتباطات سیاسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- فرضیه سوم: بین معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرسی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- فرضیه چهارم: بین عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت حسابرسی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- فرضیه پنجم: بین ارتباطات سیاسی و کیفیت حسابرسی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- فرضیه ششم: بین معاملات با اشخاص وابسته و کیفیت حسابرسی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۴- روش پژوهش

این تحقیق، از جهت همبستگی و روش شناسی تحقیق، از نوع شبه تجربی و پس رویدادی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری است که با اطلاعات واقعی صورت می‌گیرد و چون می‌تواند در فرآیند استفاده از اطلاعات کاربرد داشته باشد، لذا نوعی تحقیق کاربردی است. همچنین این پژوهش مبتنی بر اطلاعات واقعی بازار سهام، صورت‌های مالی، یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی و گزارش‌های مجامع شرکت‌هاست. در این تحقیق با برداشت مستقیم اطلاعات مورد نیاز از صورت‌های مالی، پایگاه اطلاعاتی تدبیر پرداز، ره آورد نوین و سایت سازمان بورس، مجموع داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌ها جمع آوری شده است. پس از انتخاب شرکت‌های نمونه جهت انجام برخی محاسبات از نرم افزار Excel استفاده شده است. در تجزیه و تحلیل اطلاعات، از مدل‌های رگرسیون خطی چند متغیره برای فرضیه‌های اول تا سوم، و مدل رگرسیونی لجستیک برای فرضیه‌های چهارم تا ششم استفاده شده و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار اقتصادسنجی Eviews نسخه ۹ استفاده شده است.

۴-۱- جامعه و نمونه‌ی آماری تحقیق

جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی تحقیق از سال ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴ می‌باشد.

در این تحقیق به منظور نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند (حذف سیستماتیک) استفاده شده است. بدین منظور کلیه شرکت‌های جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده‌اند به عنوان نمونه انتخاب و بقیه حذف شده‌اند.

۱. به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند ماه باشد.
۲. جزء شرکت‌های مالی (مثل بانک‌ها، موسسات بیمه) و شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشند.
۳. در طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداشته باشند.
۴. اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در دسترس باشند.

با توجه به محدودیت‌های اعمال شده تعداد ۸۶ شرکت در ۲۰ صنعت مختلف انتخاب شده‌اند.

۴-۲- مدل و متغیرهای پژوهش

بر اساس فرضیه‌های مطرح شده حق الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی به عنوان متغیرهای وابسته، عدم تقارن اطلاعاتی، ارتباطات سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته به عنوان متغیرهای مستقل و در نهایت اندازه شرکت، نوع صنعت و عمر شرکت به عنوان متغیرهای کنترلی این تحقیق می‌باشند که به شرح زیر بر طبق هر فرضیه نشان داده شده‌اند:

برای آزمون فرضیه اول از مدل رگرسیونی زیر استفاده خواهد شد:

$$(۱) \text{Audit Fees}_{it} = b_0 + b_1 X_{it} + b_2 \text{Size}_{it} + b_3 \text{Industry}_{it} + b_4 \text{Age}_{it} + \varepsilon_{it}$$

برای آزمون فرضیه دوم از مدل رگرسیونی زیر استفاده خواهد شد:

$$(۲) \text{Audit Fees}_{it} = b_0 + b_1 PC_{it} + b_2 \text{Size}_{it} + b_3 \text{Industry}_{it} + b_4 \text{Age}_{it} + \varepsilon_{it}$$

برای آزمون فرضیه سوم از مدل رگرسیونی زیر استفاده خواهد شد:

$$(۳) \text{Audit Fees}_{it} = b_0 + b_1 RPT_{it} + b_2 \text{Size}_{it} + b_3 \text{Industry}_{it} + b_4 \text{Age}_{it} + \varepsilon_{it}$$

برای آزمون فرضیه چهارم از مدل رگرسیونی زیر استفاده خواهد شد:

$$(۴) AQ_{it} = b_0 + b_1 X_{it} + b_2 \text{Size}_{it} + b_3 \text{Industry}_{it} + b_4 \text{Age}_{it} + \varepsilon_{it}$$

برای آزمون فرضیه پنجم از مدل رگرسیونی زیر استفاده خواهد شد:

$$(۵) \text{AQ}_{it} = b_0 + b_1 \text{PC}_{it} + b_2 \text{Size}_{it} + b_3 \text{Industry}_{it} + b_4 \text{Age}_{it} + \varepsilon_{it}$$

برای آزمون فرضیه ششم از مدل رگرسیونی زیر استفاده خواهد شد:

$$(۶) \text{AQ}_{it} = b_0 + b_1 \text{RPT}_{it} + b_2 \text{Size}_{it} + b_3 \text{Industry}_{it} + b_4 \text{Age}_{it} + \varepsilon_{it}$$

در مدل‌های ذکر شده: **Audit Fees_{it}** حق‌الزحمه حسابرسی (بر اساس لگاریتم طبیعی مبلغ هزینه حسابرسی شرکت در هر سال که در یادداشت هزینه‌های اداری و عمومی افشا می‌شود)، **AQ_{it}** کیفیت حسابرسی (در صورتیکه حسابرس سازمان حسابرسی باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ می‌باشد (نمازی و همکاران، ۱۳۸۸))، **X_{it}** عدم تقارن اطلاعاتی (به منظور محاسبه عدم تقارن اطلاعاتی از مدل ارائه شده توسط وینکتاش و چیانگ^{۳۴} (۱۹۸۶) استفاده شده است. با استفاده از این مدل می‌توان دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام را تعیین نمود. این مدل به شرح زیر است:

$$\text{SPREAD} = \frac{1}{D} \sum \frac{(\text{AP} - \text{BP})}{(\text{AP} + \text{BP})/2}$$

SPREAD: دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، **AP** (Ask Price): میانگین بهترین قیمت پیشنهادی روزانه فروش سهام شرکت **I** در دوره مورد بررسی، **BD** (Bid Price): میانگین بهترین قیمت پیشنهادی روزانه خرید سهام شرکت **I** در دوره مورد بررسی. روند محاسبه دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، بدین صورت است که ابتدا داده‌های روزانه مربوط به قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام برای هر یک از شرکت‌های نمونه، در طول سال استخراج و سپس برای روزهایی از سال که معیارهای زیر صادق باشند، بیش‌ترین قیمت پیشنهادی خرید به عنوان بهترین قیمت پیشنهادی خرید سهام و کم‌ترین قیمت پیشنهادی فروش به عنوان بهترین قیمت پیشنهادی فروش آن روز تعیین گردیده است.

PC_{it} ارتباطات سیاسی (نشانه‌های ارتباط سیاسی شرکت عبارتند از وجود اعضای هیات مدیره وابسته به دولت، مجلس، نهادهای سیاسی و یا وجود سهامدار عمده دولتی و شبه‌دولتی در ساختار مالکیت شرکت. این متغیر با مقدار یک و صفر نشان داده می‌شود. در صورت وجود ارتباطات سیاسی، مقدار آن یک و در غیر آن صورت صفر می‌باشد (نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲))، **RPT_{it}** معاملات با اشخاص وابسته (در این پژوهش برای سنجش این متغیر، مطابق با شاخص به کار گرفته شده‌ی کوآن و همکاران^{۳۵} (۲۰۱۰))، از جمع کل مبالغ معاملات با اشخاص وابسته‌ی افشا شده در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی سالانه‌ی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تقسیم بر مجموع دارایی‌های ابتدای دوره‌ی شرکت، استفاده شده است (سرلک و اکبری، ۱۳۹۲))، **Size_{it}** اندازه شرکت (لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت می‌باشد (پورحیدری و قاسمیان، ۱۳۸۹))، **Industry_{it}** نوع صنعت (بر اساس طبقه بندی سازمان بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد)، **Age_{it}** سن شرکت (عبارت است از عمر و مدت زمان تاسیس شرکت، این متغیر بر اساس فاصله زمانی بین تاریخ تاسیس تا پایان دوره زمانی پژوهش اندازه‌گیری می‌شود (بنی‌مهدی و همکاران، ۱۳۹۱)).

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- آمار توصیفی

با توجه به اینکه اطلاعات و داده‌های موردنظر همگی کمی هستند برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در مراحل اولیه از آمار توصیفی استفاده شده است. هدف از ارائه این بخش ارائه داده‌های آماری اولیه معرف ویژگی متغیرهای مورد مطالعه در میان شرکت‌های نمونه آماری می‌باشد. این هدف باعث می‌شود تا بدانیم با چه مبانی سر و کار داریم و مبنایی برای تحلیل‌های خود در اختیار داشته باشیم زیرا شناخت ما را در تعمیم نتایج و تحلیل ارتباطات بین متغیرهای اساسی تحقیق یاری خواهد نمود. خلاصه ویژگی‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در آزمون فرضیات تحقیق در قالب آماره‌های توصیفی در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

میانگین متغیر حق الزحمه حسابرسی برای شرکت‌های مورد مطالعه برابر با ۶/۵۴۴ است و میانه آن ۶/۴۴۹ است. کمترین مقدار و بیشترین مقدار این متغیر به ترتیب برابر ۵/۲۸۹ و ۸/۰۴۸ است. میانگین و میانه متغیر عدم تقارن اطلاعاتی به ترتیب ۰/۰۳۵ و ۰/۰۳۳ است. اختلاف ناچیز بین میانگین و میانه بیانگر همگنی نسبی داده‌های مربوط به این متغیر است. بیشترین مقدار این متغیر برابر ۰/۰۷۲ و کمترین مقدار این متغیر برابر ۰/۰۰۶ است. میانگین و میانه متغیر معاملات با اشخاص وابسته به ترتیب برابر ۰/۰۳۵ و ۰/۰۲۷ است. انحراف معیار این متغیر برابر ۰/۰۲۶ است. میانگین ارتباطات سیاسی که به صورت موهومی (صفر و یک) بیان شده است برابر ۰/۵۲۰ است. یعنی حدود ۵۲ درصد داده‌های مربوط به این متغیر مقداری برابر یک داشته‌اند. انحراف معیار این متغیر برابر ۰/۵۰۰ است. میانگین و میانه متغیر سن شرکت به ترتیب برابر ۳۸/۸۷۸ و ۴۰/۰۰۰ است یعنی میانگین سنی شرکت‌های موجود در نمونه حدوداً ۳۸ سال است. میانگین و میانه متغیر اندازه شرکت به ترتیب برابر ۱۳/۵۳۲ و ۱۳/۵۴۱ است. کمترین و بیشترین مقدار متغیر اندازه شرکت بیانگر تنوع شرکت‌های موجود در نمونه از لحاظ اندازه می‌باشد.

جدول ۱. آمار توصیفی

متغیرها	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
حق الزحمه حسابرسی	۶/۵۴۴	۶/۴۴۹	۸/۰۴۸	۵/۲۸۹	۰/۷۵۳
عدم تقارن اطلاعاتی	۰/۰۳۵	۰/۰۳۳	۰/۰۷۲	۰/۰۰۶	۰/۰۱۸
معاملات با اشخاص وابسته	۰/۰۳۵	۰/۰۲۷	۰/۰۹۹	۰/۰۰۴	۰/۰۲۶
ارتباطات سیاسی	۰/۵۲۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۰۰
کیفیت حسابرسی	۰/۲۴۱	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۲۸
سن شرکت	۳۸/۸۷۸	۴۰/۰۰۰	۶۳/۰۰۰	۱۲/۰۰۰	۱۳/۱۴۴
اندازه شرکت	۱۳/۵۳۲	۱۳/۵۴۱	۱۵/۵۹۰	۱۱/۴۳۷	۱/۰۸۲

۵-۲- نتایج آزمون فرضیه‌ها و ارائه یافته‌ها

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق ابتدا باید متغیرهای تحقیق محاسبه شود. سپس متغیرهای محاسبه شده در مدل‌های مربوط قرار داده شده و فرضیات تحقیق مورد آزمون قرار گیرد. در ادامه نتایج مربوط به هر یک از فرضیات تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۲-۱- آزمون فرضیه اول

نتایج مربوط به برآورد مدل اول تحقیق با استفاده از مدل اثر ثابت و قدرتمندسازی برای ناهمسانی واریانس در جدول شماره ۲ ارائه شده است:

جدول ۲. برآورد مدل آزمون فرضیه اول

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
عدم تقارن اطلاعاتی	۱/۰۱۰	۱/۱۷۹	۰/۸۵۶	۰/۳۹۳
سن شرکت	۰/۰۰۹	۰/۰۰۲	۵/۴۷۷	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۳۷۹	۰/۰۲۲	۱۷/۶۲۲	۰/۰۰۰
مقدار ثابت	۱/۰۷۸	۰/۲۷۹	۳/۸۶۲	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۰	آماره F	۱۱۷/۴۹۶	
آماره دوربین واتسون	۲/۳۷	احتمال آماره F	۰/۰۰۰	
متغیر وابسته: حق الزحمه حسابرسی				

ضریب متغیر عدم تقارن اطلاعاتی برابر $1/010$ و احتمال آن برابر $0/393$ است که حاکی از عدم رابطه معنادار این متغیر و متغیر حق الزحمه حسابرسی است. بنابراین فرضیه اول رد می‌شود یعنی بین عدم تقارن اطلاعاتی و حق الزحمه حسابرسی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. ضریب متغیر سن شرکت برابر $0/009$ و احتمال آن برابر $0/000$ است. این مقادیر نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار این متغیر و متغیر حق الزحمه حسابرسی می‌باشد. ضریب و احتمال متغیر اندازه شرکت برابر $0/379$ و احتمال آن برابر $0/000$ است که حاکی از رابطه مثبت و معنادار این متغیر و حق الزحمه حسابرسی است. ضریب تعیین تعدیل شده بیانگر این است که حدود ۷۰ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل تبیین می‌شود. برای بررسی خودهمبستگی سریالی میان باقیمانده‌های رگرسیون از آماره دوربین واتسون استفاده می‌شود. اگر این مقدار بین $1/5$ و $2/5$ باشد میان باقیمانده‌ها خودهمبستگی سریالی بین باقیمانده‌ها وجود ندارد. در برآورد اولیه مدل مقدار آماره دوربین واتسون نشان‌دهنده خودهمبستگی سریالی بود که با اضافه کردن وقفه مقدار باقیمانده رگرسیون (برای حذف خودهمبستگی سریالی مرتبه اول) وارد مدل گردید و مقدار آماره دوربین واتسون برابر $2/37$ افزایش یافت که نشان می‌دهد میان باقیمانده‌های رگرسیون خودهمبستگی سریالی وجود ندارد. آماره و احتمال آماره F بیانگر معناداری کل رگرسیون است.

۵-۲-۲- آزمون فرضیه دوم

نتایج مربوط به برآورد مدل دوم با استفاده از مدل اثر ثابت و قدرتمند سازی برای ناهمسانی واریانس در جدول شماره ۳ ارائه شده است:

جدول ۳. برآورد مدل آزمون فرضیه دوم

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
ارتباطات سیاسی	-۳/۹۱۲	۰/۹۰۳	-۴/۳۳۵	۰/۰۰۰
سن شرکت	۰/۰۰۹	۰/۰۰۲	۵/۲۶۶	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۳۳۵	۰/۰۲۴	۱۴/۰۰۹	۰/۰۰۰
مقدار ثابت	۱/۸۶۴	۰/۳۲۸	۵/۶۸۷	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۰	آماره F	۱۱۸/۴۵۱	
آماره دوربین واتسون	۲/۳۵	احتمال آماره F	۰/۰۰۰	
متغیر وابسته: حق الزحمه حسابرسی				

ضریب متغیر ارتباطات سیاسی برابر $-3/912$ و احتمال آن برابر $0/000$ است که حاکی از رابطه منفی و معنادار این متغیر و متغیر حق الزحمه حسابرسی است. این رابطه در سطح یک درصد معنادار است. با توجه به نتایج فرضیه دوم تایید می‌شود یعنی بین ارتباطات سیاسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. ضریب متغیر سن شرکت برابر $0/009$ و احتمال آن برابر $0/000$ است. این مقادیر نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار این متغیر و متغیر حق الزحمه حسابرسی می‌باشد. ضریب و احتمال متغیر اندازه شرکت برابر $0/335$ و احتمال آن برابر $0/000$ است که حاکی از رابطه مثبت و معنادار این متغیر و حق الزحمه حسابرسی است. ضریب تعیین تعدیل شده بیانگر این است که حدود ۷۰ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل تبیین می‌شود. مقدار آماره دوربین واتسون برابر $2/35$ است که نشان می‌دهد میان باقیمانده‌های رگرسیون خود همبستگی سریالی وجود ندارد. آماره و احتمال آماره F بیانگر معناداری کل رگرسیون است.

۵-۲-۳- آزمون فرضیه سوم

نتایج مربوط به برآورد مدل سوم با استفاده از مدل اثر ثابت و قدرتمند سازی برای ناهمسانی واریانس در جدول شماره ۴ ارائه شده است:

جدول ۴. برآورد مدل آزمون فرضیه سوم

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
معاملات با اشخاص وابسته	۰/۱۸۵	۰/۰۴۶	۴/۰۲۸	۰/۰۰۰
سن شرکت	۰/۰۱۱	۰/۰۰۲	۶/۱۷۷	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۳۷۳	۰/۰۲۲	۱۷/۱۷۵	۰/۰۰۰
مقدار ثابت	۱/۰۳۷	۰/۲۷۰	۳/۸۴۶	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۰۶	آماره F	۱۱۸/۵۰۲	
آماره دوربین واتسون	۲/۳۶	احتمال آماره F	۰/۰۰۰	
متغیر وابسته: حق الزحمه حسابرسی				

ضریب متغیر عدم تقارن اطلاعاتی برابر ۰/۱۸۵ و احتمال آن برابر ۰/۰۰۰ است که حاکی از رابطه مثبت و معنادار این متغیر و متغیر حق الزحمه حسابرسی است. بنابراین فرضیه سوم تایید می‌شود یعنی بین معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه حسابرسی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. ضریب متغیر سن شرکت برابر ۰/۰۱۱ و احتمال آن برابر ۰/۰۰۰ است. این مقادیر نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار این متغیر و متغیر حق الزحمه حسابرسی می‌باشد. ضریب و احتمال متغیر اندازه شرکت برابر ۰/۳۷۳ و احتمال آن برابر ۰/۰۰۰ است که حاکی از رابطه مثبت و معنادار این متغیر و حق الزحمه حسابرسی است. ضریب تعیین تعدیل شده بیانگر این است که حدود ۷۰ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل تبیین می‌شود. مقدار آماره دوربین واتسون برابر ۲/۳۷ است که نشان می‌دهد میان باقیمانده‌های رگرسیون خودهمبستگی سریالی وجود ندارد. آماره و احتمال آماره F بیانگر معناداری کل رگرسیون است.

۵-۲-۴- آزمون فرضیه چهارم

نتایج مربوط به برآورد مدل چهارم با استفاده از مدل اثر ثابت و قدرتمند سازی برای ناهمسانی واریانس در جدول شماره ۵ ارائه شده است:

جدول ۵. برآورد مدل آزمون فرضیه چهارم

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
عدم تقارن اطلاعاتی	۱۴/۸۷۳	۷/۰۵۸	۲/۱۰۷	۰/۰۳۵
سن شرکت	۰/۰۴۶	۰/۰۱۰	۴/۷۳۱	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۷۶۵	۰/۱۵۰	۵/۰۹۱	۰/۰۰۰
مقدار ثابت	-۱۵/۲۰۵	۲/۱۶۷	-۷/۰۱۶	۰/۰۰۰
آماره مک فادن	۰/۲۱	آماره LR	۱۰۲/۰۵۳	
		احتمال آماره LR	۰/۰۰۰	
متغیر وابسته: کیفیت حسابرسی				

مقدار ضریب متغیر عدم تقارن اطلاعاتی ۱۴/۸۷۳ و احتمال آن برابر ۰/۰۳۵ است که بیانگر رابطه مثبت عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت حسابرسی است. این رابطه در سطح ۵ درصد معنادار است. بنابراین فرضیه چهارم تایید می‌شود یعنی بین عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت حسابرسی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه ضریب و احتمال متغیر سن شرکت به ترتیب برابر ۰/۰۴۶ و ۰/۰۰۰ است بنابراین فرضیه صفر در سطح خطای ۱ درصد رد می‌شود؛ یعنی میان سن شرکت و کیفیت حسابرسی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین نتایج نشان‌دهنده رابطه مثبت بین اندازه شرکت و کیفیت حسابرسی

است؛ این رابطه در سطح خطای یک درصد معنادار است. آماره مک فادن $0/21$ است. مقدار پایین مک فادن در مدل رگرسیون لجستیک که زیرمجموعه مدل‌های متغیر وابسته محدود است، معمول است (بروکس^{۳۶}، ۲۰۱۴). همانطور که در جدول مشاهده می‌شود، علاوه بر این با توجه به اینکه احتمال آماره LR این مدل $0/000$ می‌باشد، می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

۵-۲-۵- آزمون فرضیه پنجم

نتایج مربوط به برآورد مدل پنجم با استفاده از مدل اثر ثابت و قدرتمند سازی برای ناهمسانی واریانس در جدول شماره ۶ ارائه شده است:

جدول ۶. برآورد مدل آزمون فرضیه پنجم

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
ارتباطات سیاسی	-۰/۱۱۶	۰/۳۱۴	-۰/۳۶۸	۰/۷۱۳
سن شرکت	۰/۰۴۴	۰/۰۱۰	۴/۳۳۶	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۷۷۶	۰/۱۵۳	۵/۰۶۵	۰/۰۰۰
مقدار ثابت	-۱۴/۷۲۴	۲/۳۲۰	-۶/۳۴۶	۰/۰۰۰
آماره مک فادن	۰/۲۰۶	آماره LR	۹۸/۳۴۸	
		احتمال آماره LR		۰/۰۰۰
متغیر وابسته: کیفیت حسابداری				

مقدار ضریب متغیر ارتباطات سیاسی برابر $-0/116$ و احتمال آن برابر $0/713$ است که بیانگر عدم رابطه معنادار بین ارتباطات سیاسی و کیفیت حسابداری است. بنابراین فرضیه پنجم رد می‌شود یعنی بین ارتباطات سیاسی و کیفیت حسابداری رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. ضریب و احتمال متغیر سن شرکت به ترتیب برابر $0/044$ و $0/000$ است یعنی میان سن شرکت و کیفیت حسابداری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین نتایج نشان‌دهنده رابطه مثبت بین اندازه شرکت و کیفیت حسابداری است؛ این رابطه در سطح خطای یک درصد معنادار است. آماره مک فادن $0/20$ است. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود، علاوه بر این احتمال آماره نسبت راستنمایی (LR) این مدل $0/000$ می‌باشد، می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

۵-۲-۶- آزمون فرضیه ششم

نتایج مربوط به برآورد مدل ششم با استفاده از مدل اثر ثابت و قدرتمند سازی برای ناهمسانی واریانس در جدول شماره ۷ ارائه شده است:

جدول ۷. برآورد مدل آزمون فرضیه ششم

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
معاملات با اشخاص وابسته	۰/۹۵۳	۵/۸۵۸	۰/۱۶۳	۰/۸۷۱
سن شرکت	۰/۰۴۵	۰/۰۱۰	۴/۷۴۸	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۷۷۶	۰/۱۸۲	۴/۲۵۶	۰/۰۰۰
مقدار ثابت	-۱۴/۸۸۵	۲/۷۸۱	-۵/۳۵۲	۰/۰۰۰
آماره مک فادن	۰/۲۱۲	آماره LR	۱۰۰/۱۷۳	
		احتمال آماره LR		۰/۰۰۰
متغیر وابسته: کیفیت حسابداری				

مقدار ضریب متغیر معاملات با اشخاص وابسته برابر ۰/۹۵۳ و احتمال آن برابر ۰/۸۷۱ است که بیانگر عدم رابطه معنادار بین معاملات با اشخاص وابسته و کیفیت حسابرسی است. بنابراین فرضیه ششم نیز رد می‌شود یعنی بین معاملات با اشخاص وابسته و کیفیت حسابرسی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. ضریب و احتمال متغیر سن شرکت به ترتیب برابر ۰/۰۴۵ و ۰/۰۰۰ است یعنی میان سن شرکت و کیفیت حسابرسی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین نتایج نشان‌دهنده رابطه مثبت بین اندازه شرکت و کیفیت حسابرسی است؛ این رابطه در سطح خطای یک درصد معنادار است. آماره مک فادن ۰/۲۱ است. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود، علاوه بر این احتمال آماره نسبت راستنمایی (LR) این مدل ۰/۰۰۰ می‌باشد، می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

۶- نتیجه‌گیری و بحث

کیفیت و تمامی امور مربوط به موضوع حسابرسی از جمله حق الزحمه‌ی حسابرسی بعد از بحران مالی جهانی توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده‌اند. کیفیت بالای حسابرسی سبب می‌شود تا گزارش‌های مالی با دقت بیشتری بررسی شده و امکان تقلب یا هرگونه دستکاری در اقلام صورت‌های مالی به حداقل برسد، از این رو سرمایه‌گذاران و تمامی ذینفعان می‌توانند به گزارش‌های حسابرسی صادر شده اعتماد نموده و تصمیم‌گیری مناسب‌تری اتخاذ نمایند. قاعدتا حسابرسان نیز در قبال خدمات حسابرسی که ارائه می‌دهند، خواستار حق الزحمه‌ای می‌باشند. میزان تعیین این حق الزحمه می‌تواند به کیفیت خدمات اعطائی و عوامل متفاوت دیگری بستگی داشته باشد همانند علل و عواملی که سبب می‌شوند تا مدیران برای منفعت خود و یا شرکت (سهامداران) صورت‌های مالی را دستکاری نمایند. بنابراین ما در این پژوهش سعی نمودیم که تاثیر برخی از عواملی که مدیران از طریق آن‌ها می‌توانند صورت‌های مالی را سودجویانه دستکاری نمایند، بر روی کیفیت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی مورد بررسی قرار دهیم.

بنابر نتایج فرضیه‌های این تحقیق که برگرفته از داده‌های واقعی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران به تعداد ۸۶ شرکت در ۲۰ صنعت می‌باشد، نشان داده‌اند که عدم تقارن اطلاعاتی هیچ‌گونه تاثیری در افزایش یا کاهش حق الزحمه حسابرسی ندارد. این بدان معناست که با وجود تفاوت در میزان اطلاعات در دسترس مدیران با سهامداران یا سرمایه‌گذاران، تعیین حق الزحمه‌ی حسابرسی بستگی به متغیرهایی غیر از عدم تقارن اطلاعاتی دارد. در ادامه نتایج نشان دادند که دو متغیر ارتباطات سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته با حق الزحمه‌ی حسابرسی به ترتیب رابطه‌ی منفی و مثبت بعلاوه معنادار، دارند. این بدان معناست که چنانچه در شرکتی هیئت‌مدیره‌ی آن، دارای سمت سیاسی باشند؛ به عنوان مثال اعضای هیئت‌مدیره (حداقل یکی از اعضاء) به عنوان نماینده مجلس و یا رئیس یکی از ارگان‌های دولتی بوده باشند در چنین مواقعی همانطور که درمبانی نظری تحقیق بیان شد؛ حسابرسان بدلائیل مختلف می‌توانند احتمال تقلب یا هرگونه دستکاری سهوی و یا غیر سهوی صورت‌های مالی را بسیار پایین در نظر گرفته و عملیات حسابرسی را با تعداد آزمون‌های کمتر و دوره‌ی زمانی کوتاهتری به سرانجام رسانند و گزارش حسابرسی را صادر نماید به همین دلیل از صاحبکار حق الزحمه‌ی کمتری طلب می‌نماید، که این در تضاد با نتیجه تحقیق آربیننگروم و دیانتی (۲۰۱۷) می‌باشد زیرا آن‌ها استدلال می‌کنند که وجود ارتباط سیاسی در شرکت می‌تواند ریسک ذاتی شرکت را افزایش دهد که توسط حسابرسان ارزیابی می‌شود در نتیجه حسابرسان خواهان هزینه حسابرسی بالاتری می‌باشند.

در مورد رابطه‌ی معاملات با اشخاص وابسته و حق الزحمه نیز چنین برآورد می‌شود که بدلیل سختی و پیچیدگی کشف این نوع معاملات به ویژه در صورت احتمال تقلب، حسابرسان بدلیل پیچیدگی کار حق الزحمه‌ی بیشتری را در نظر می‌گیرند، که مطابق با نتایج تحقیقات حبیب و همکاران (۲۰۱۵)، الیستاراتوا و همکاران (۲۰۱۸) و عباس زاده و همکاران (۱۳۹۶) می‌باشد. زیرا آنان دریافتند شرکت‌هایی که دارای خرید و فروش با اشخاص وابسته می‌باشند حق الزحمه‌ی بالاتری برای حسابرسی خواهند داشت.

در فرضیه‌ی چهارم که به بررسی رابطه‌ی بین عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت حسابرسی پرداخته شد. نتایج تحقیق نشان داد که هرچه عدم تقارن اطلاعاتی در صورت‌های مالی بیشتر باشد واکنش برای انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی از جمله

سازمان حسابرسی نیز بیشتر است. نتیجه‌ی این فرضیه مطابق با نتیجه تحقیق گان و همکاران (۲۰۱۷) است. زیرا آنان نیز دریافتند عدم تقارن اطلاعاتی، درخواست برای حسابرسی با کیفیت بالاتر را ترغیب می‌کند، همچنین سازگار با نتایج تحقیق خدای پور و همکاران (۱۳۹۲)، در هنگامی که آن‌ها برای محاسبه کیفیت حسابرسی از معیار نوع گزارش حسابرسی استفاده کردند می‌باشد، که رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت حسابرسی مثبت و معنادار شد و متضاد با نتیجه تحقیق آنان، آنگاه که برای محاسبه کیفیت حسابرسی از معیار اندازه حسابرس استفاده نمودند می‌باشد، که یک رابطه منفی و معنادار بین عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت حسابرسی یافتند.

در مورد نتایج فرضیات پنجم و ششم این تحقیق هیچ‌گونه رابطه‌ی معناداری بین متغیرهای ارتباطات سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته با کیفیت حسابرسی یافت نشد. یعنی چنانچه رابطه‌ی سیاسی در شرکتی وجود داشته باشد، یا شرکت معامله‌ای با اشخاص وابسته به خود انجام داده باشد، تاثیری بر انتخاب نوع موسسات حسابرسی از لحاظ کیفیت نخواهند گذاشت. در راستای این نتیجه می‌توان اشاره به تحقیق حبیب و همکاران (۲۰۱۷) کرد. زیرا آنان دریافتند شرکت‌هایی که دارای ارتباطات سیاسی هستند از موسسات حسابرسی کوچک‌تر استفاده می‌کنند که دارای کیفیت حسابرسی کمتری می‌باشند.

نتایج مربوط به رابطه‌ی بین متغیرهای کنترلی با متغیرهای وابسته‌ی تحقیق نشان دادند که سن (عمر) شرکت و اندازه-ی شرکت با هردو متغیر حق‌الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی رابطه‌ی مثبت و معناداری دارند. بدین معنا که، هرچه سن و اندازه‌ی شرکت بزرگتر باشد تمایل به انتخاب حسابرس با کیفیت بالاتر دارند و قاعدتاً هرچه کیفیت حسابرس بالاتر باشد حق‌الزحمه آن نیز بیشتر است.

با توجه به مبانی نظری و نتایج تحقیق، به سازمان حسابرسی پیشنهاد می‌شود تا جهت رعایت کردن حقوق همگان در برابر قانون نسبت به وجود ارتباطات سیاسی در شرکت‌ها، کنترل بیشتری برای تعیین حق‌الزحمه حسابرسی، صورت گیرد، همچنین قانونی جهت اعمال جریمه‌های نقدی و غیرنقدی برای آن دسته از شرکت‌هایی که اقدام به عدم تقارن اطلاعاتی عمدی کرده‌اند، اعمال نماید تا مدیران از ارائه‌ی گزارش‌های خود با عدم تقارن اطلاعاتی صرف نظر نمایند. به حسابرسان پیشنهاد می‌شود در قیمت‌گذاری خدمات خود خطر مربوط به معاملات با اشخاص وابسته را در نظر گیرند و جهت تعیین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در قرارداد با صاحبکار خود، تاکید نمایند در صورت بیشتر بودن معاملات با اشخاص وابسته از میزان تعیین شده در قرارداد، حق‌الزحمه حسابرسی نیز بنا به نسبت مشخصی افزایش یابد تا بلکه روزه‌ای برای کاهش و کنترل معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته در شرکت‌ها باشد. به سازمان بورس پیشنهاد می‌شود نسبت به تدوین مقررات و الزامات قانونی برای اجرایی کردن اصول حاکمیت شرکتی مناسب درباره معاملات با اشخاص وابسته اقدام کنند و شرکت‌ها نیز درک مناسبی در این باره کسب نمایند تا عملکرد آن‌ها بهتر شود.

به محققان پیشنهاد می‌شود که رابطه‌ی متغیرهای دیگر مانند خوش‌بینی مدیران، سرمایه‌ی فکری و سطح تحصیلات کارکنان با حق‌الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی را نیز مورد بررسی قرار دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود به بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه‌ی بین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی پرداخته شود.

یادداشت‌ها

- | | |
|------------------------|---------------------|
| 1. Johnson & Droege | 19. Krishnan |
| 2. Cohen et al | 20. Reichelt & Wang |
| 3. Dezoort et al | 21. Kim et al |
| 4. McNichols & Stubben | 22. Gunn et al |
| 4. Chaney et al | 23. IAASB |
| 6. Ashbaugh & Warfield | 24. Deangelo |
| 7. Lee | 25. Al-Harshani |
| 8. Scott | 26. Habib et al |

- | | |
|------------------------|--------------------------|
| 9. Cormier et al | 27. Kohlbeck & Mayhew |
| 10. Bhattacharya et al | 28. Yan & Xie |
| 11. Corlacia & Tudor | 29. Ariningrum & Diyanty |
| 12. Raymond & Khanna | 30. Liu et al |
| 13. Djankov et al | 31. Bona-Sanchez et al |
| 14. Minjung et al | 32. Wang |
| 15. Zahra et al | 33. Elistratova et al |
| 16. Abeysekera | 34. Venkatesh & Chiang |
| 17. Ashforth & Lee | 35. Kuan et al |
| 18. Leventis et al | 36. Brooks |

فهرست منابع

- آقایی، محمدعلی و ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۹۱). تخصص حسابرس در صنعت و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری. دانش حسابرسی، ۱۲(۴۶)، ۴-۱۷.
- بنی‌مهد، بهمن؛ حساس‌یگانه، یحیی و یزدانیان، نرگس (۱۳۹۲). روابط سیاسی و تغییر حسابرس: شواهدی از موسسات حسابرسی بخش خصوصی. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۲(۸)، ۱-۱۲.
- بنی‌مهد، بهمن؛ مرادزاده‌فرد، مهدی و زینالی، مهدی (۱۳۹۱). اثر حق‌الزحمه حسابرسی بر اظهارنظر حسابرس. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۵(۱۵)، ۴۱-۵۴.
- بیگ‌پناه، بهزاد (۱۳۹۲). قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی. پایاننامه ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی.
- بولو، قاسم. (۱۳۸۵). نظام راهبری شرکتی و تاثیر آن بر کیفیت سود. ماهنامه بورس، ۱۵. ۴۳-۵۸
- پورحیدری، امید و قاسمیان سقی، علی (۱۳۸۹). بررسی رابطه‌ی بین تغییرات جریان‌ات نقدی عملیاتی و تغییرات سود تقسیمی با توجه به ویژگی‌های خاص شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت‌های حسابداری، ۳(۵۸)، ۳۹-۶۶.
- پورحیدری، امید؛ صفی‌پور افشار، مجتبی؛ گودرز تله جردی، علی و صفی‌پور افشار، معصومه (۱۳۹۴). بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه حسابرسی و قیمت‌گذاری کمتر از واقع در عرضه‌های اولیه. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، ۷(۲۶)، ۳۱-۵۱.
- تاری‌وردی، یداله، مرادزاده‌فرد، مهدی، رستمی، مریم (۱۳۹۳). تاثیر مدیریت سود بر دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۶(۲۱)، ۱۴۱-۱۷۲.
- جلیلی، صابر و قیصری، فرزاد (۱۳۹۳). بررسی ارتباط بین کیفیت سود و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، ۱۴(۵۷)، ۱۴۷-۱۷۰.
- حساس یگانه، یحیی و برزگر، قدرت‌اله (۱۳۹۲). مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و نظریه‌های حسابداری. فصلنامه حسابداری رسمی، ۲۱(۳۳)، ۹۴-۱۰۶.
- حساس‌یگانه، یحیی، محمودی، مهدی، پناهی، سونیا (۱۳۹۲). بررسی تاثیر عوامل کیفی حسابرسی بر ارزیابی عملکرد مدیریت در تبیین ارزش ایجاد شده برای سهامداران. یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران.
- حیدری، مهدی، قادری، بهمن و رسولی، پیمان (۱۳۹۵). بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی: رویکرد الگو سازی معادلات ساختاری. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۳(۳)، ۳۵۳-۳۷۲.
- حیدری، مهدی، قادری، بهمن و همه خانی، سعید (۱۳۹۶). بررسی نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی در تبیین رابطه‌ی بین کیفیت حسابرسی و سیاست‌های تامین مالی. فصلنامه راهبرد مدیریت مالی، ۱۵(۱۹)، ۹۳-۱۲۶.
- خدمای پور، احمد، امینی، میثم و هوشمند زعفرانی، رحمت‌الله (۱۳۹۱). بررسی تاثیر الزامات افشای معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود. فصلنامه پژوهش حسابداری، ۲(۲)، ۶۵-۸۳

- خدای پور، احمد، دلدار، مصطفی و خانی، محمد رضا (۱۳۹۲). بررسی تاثیر هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی بر کیفیت حسابرسی. دانش حسابرسی، ۱۳(۵۰)، ۱۱۹-۱۳۶.
- دارابی، رویا و داوودخانی، محمود (۱۳۹۴). تاثیر معاملات بر اشخاص وابسته بر ارزش شرکت. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۷(۲۸)، ۱۳۱-۱۵۲.
- رحمانی، علی و امیر، شاهزیدی (۱۳۸۶). حسابداری و فرآیند سیاسی، حسابدار، ۲۱(۱۸۰)،
- سرلک، نرگس و اکبری، مینا (۱۳۹۲). رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۰(۴)، ۷۷-۹۲.
- سعیدی، علی، حمیدیان، نرگس و ربیعی، حامد (۱۳۹۲). رابطه بین فعالیت‌های مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۶(۱۷)، ۴۵-۵۸.
- عابدینی، بیژن، خلفیان، حدیث (۱۳۹۷). معاملات با اشخاص وابسته، مالکان اصلی و ارزش شرکت. فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، ۴(۱)، ۶۵-۵۱.
- عباس زاده، محمد رضا، فناده، مصطفی و به سودی، افشین (۱۳۹۶). رقابت در بازار محصول، معاملات با اشخاص وابسته و بهای خدمات حسابرسی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۴(۱)، ۶۱-۸۰.
- علوی طبری، سیدحسین، رجبی، روح‌اله و شهبازی، منصوره (۱۳۹۰). رابطه نظام راهبری و حق‌الزحمه حسابرسی مستقل شرکت‌ها. مجله دانش حسابداری، ۲(۵)، ۷۵-۱۰۱.
- کمیته تدوین استاندارد های حسابداری (۱۳۹۶). استاندارد های حسابداری. سازمان حسابرسی.
- مشایخی، بیتا، حسن زاده، شادی، امینی، یاسین و منتی، وحید (۱۳۹۵). تاثیر کیفیت حسابرسی داخلی بر حق الزحمه حسابرسی مستقل. فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۸(۳۱)، ۴۱-۵۶.
- محسنی، عبدالرضا (۱۳۹۷). ارتباطات سیاسی و هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۳۴، ۲۹۱-۲۷۳.
- مهرانی، ساسان و جمشیدی اوانکی، کوروش (۱۳۹۰). عوامل موثر بر تعیین حق الزحمه حسابرسی. حسابدار رسمی، ۱۳، ۶۰-۷۸.
- مهربان پور، محمدرضا، جندقی قمی، محمد و محمدی، منصور (۱۳۹۶). بررسی اثر روابط سیاسی شرکت‌ها بر بکارگیری معاملات غیر عادی با اشخاص وابسته. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۲(۳)، ۱۴۷-۱۶۸.
- نمازی، محمد، بایزیدی، انور و جبارزاده کنگرلویی، سعید (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. انجمن حسابداری ایران.
- نیکومرام، هاشم، بنی‌مهد، بهمن، رهنمای رودپشتی، فریدون، کیایی، علی (۱۳۹۲). اقتصاد مبتنی بر روابط، روابط سیاسی و کیفیت اقلام تعهدی. دانش حسابرسی، ۱۳(۵۰)، ۴۱-۵۵.
- نیکومرام، هاشم، بنی‌مهد، بهمن، رهنمای رودپشتی، فریدون، کیایی، علی (۱۳۹۲). دیدگاه اقتصاد سیاسی و مدیریت سود. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۶(۱۸)، ۳۱-۴۴.
- هیوود، اندرو (۱۳۸۷). مفاهیم کلیدی در علم سیاست. ترجمه‌ی حسن سعید کلاهی و عباس کاردان. تهران. علمی و فرهنگی.
- Abeysekera, I. (2003). Political economy of accounting in intellectual capital reporting. University of Wollongong Research Online
- Al-Harshani, M. O. (2008). The pricing of audit services: evidence from Kuwait. Managerial Auditing Journal, 23(7).
- Ashbaugh, H., & D. T. Warfield. (2003). Audits as a corporate governance mechanism: Evidence from the german market. Journal of international accounting research, 2, 1-21

- Anderson, T., & Zeghal, D. (1994). The pricing of audit services: Further evidence from the Canadian market. *Accounting and Business Research*, 24, No, 95, PP, 195-207
- Ashforth, B. E., & Lee, R. T. (1990). Defensive Behavior in Organizations: A Preliminary Model. *Human Relations*, 43, 621-648
- Ariningrum, I., & Diyanty, V. (2017). The Impact of Political Connections and the Effectiveness of Board of Commissioner and Audit Committees on Audit Fees. *Australasian Accounting, Business and Finance Journal*, 11(4), 53-70
- Bhattacharya, N., Desai, H., & Venkataraman, K. (2007). Earnings quality and information asymmetry: Evidence from trading costs. *Contemporary Accounting Research*, 2(30), 482-516
- Bona-Sanchez, C., Fernandez-Senra, C. L., & Perez-Aleman, J. (2017). Related-Party transactions, dominant owners and firm value. *BRQ Business Research Quarterly*, Vol 20, Issue 1, 4-17
- Brooks, Ch. (2014). *Introductory Econometrics for Finance*, 3rd Edition, The ICMA Centre, University of Reading, Cambridge University Press.
- Chaney, P. K., M. Faccio, and D. C. Parsley. (2012) *The Quality of Accounting Information in Politically Connected Firms*. Working Paper, Vanderbilt University.
- Cohen, D., A. Dey., T. Lys. (2008). Real and Accrual- Based Earnings Management in the Pre- and Post-Sarbanes-Dxley Periods. *The Accounting Review* 83(3). pp. 757-787
- Corlacia, A., & Tudor, A. (2011). Related party Transaction Overview. *Annales Universitatis Apulensis Series Oeconomica*, 13, No,2, pp,241-248
- Cormier, D., Houle, S., & Ledoux, M. (2013). The incidence of earnings management on information asymmetry in an uncertain environment: Some Canadian evidence. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 1(22), 26-38
- Deangelo, L. E. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of accounting and Economics*, 3, No, 3, Pp, 183-199
- Dezort, T., Hermanson D., Archambeault, D., & Reed, S. (2002). Audit committee effectiveness: asynthesis of the empirical audit committee literature. *Journal of Accounting Literature*, 21, Pp, 38-75
- Djankov, S., R. La Porta, F. Lopez-de-Silanes., & A Shleifer. (2008). The law and economics of self-dealing. *Journal of Financial Economics*, 88(3), 430-465
- Doogar, R., Sivadasan, P., & Solomon, I. (2010). The Regulation of public and company auditing: Evidence from the transition to AS5. *Journal of Accounting Research*, 48 (4), Pp, 795-814
- Elistratova, M. E., Bona Sanchez, C., Aleman, J, P. (2018). Related Party Transactions and Audit Fees In An Owner Dominant Context. *Aeca*. 147a
- Gunn, J. L., Hallman, N., Li, CH., & Pittman, J. (2017). The Importance of Information Asymmetry to Auditor Choice, Audit Fees, and Going Concern Opinions: Evidence from Exploiting Exogenous Shifts in Analyst Coverage. *SSRN Electronic Journal*
- Habib, A., Haris Muhammad, A., Jiang, H. (2017) Political connections, related party transactions, and auditor choice: Evidence from Indonesia. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 13, Jssue 1, 1-19
- Habib, A., Jiang, H., & Zhou, D. (2015). Related party transactions and audit fees: evidence from China. *International accounting research*. Vol. 14.2015, 1, P.59-83
- IAASB. (2011). *Audit Quality an IAASB perspective*. www.iaasb.org
- Johnson, N. B., & S. Droege. (2004). Reflections on the Generalization of Agency Theory: Cross-Cultural Considerations. *Human Resource Management Review*, 14, 325-335

- Kim, J. B., Lee, J. J., & Park, J. CH. (2015). Audit quality and the market value of cash holdings: the case of office-level auditor industry specialization. *A journal of practice & theory*, 34(2), 27-57
- Kohlbeck, M., & Mayhew, B. (2010). Valuations of firms that disclose related party transactions. *Journal of accounting and public policy*, 29, No 2, pp 115-137
- Krishnan, G. (2003). Audit quality and the pricing of discretionary accruals auditing. *A Journal of practice & Theory*, 22, 109-126
- Lee. J. (2010). Moral hazard, firms' internal governance and management earnings forecasts. *Research Collection School Of Accountancy*. 1-54
- Leventis, S., Weetman, P., & Caramanis, C. (2005). Determinants of audit report lag: some evidence from the Athens stock exchange, *international journal of auditing*, 9(1), 45-58
- Liu, Y., Li, X., Zeng, H., & An. Y. (2017). Political connections, auditor choice and corporate accounting transparency: evidence from private sector firms in china. *Accounting & Finance*, Vol. 57, Issue 4, pp. 1071-1099
- McNichols , M. F., & Stubben , S. R. (2008). Does Earnings Management Affect Firms' Investment Decisions? *The Accounting Review*, 83, No, 6, PP, 1571-1603
- Minjung, K., Lee, H. Y., Lee, M. G., & Park, J. CH. (2014). The Association between related-party transactions and control-ownership wedge: Evidence from Korea. *Pacific-Basin Finance Journal*, 29, pp, 272-296
- Raymond, F., & Khanna, T. (1998). "Facilitating Development: the Role of Business Groups". Working Paper
- Reichelt, K. J., & Wang, D. (2010). National and office-specific measures of auditor industry expertise and effects on audit quality. *Journal of accounting research*, 1-53
- Scott, W. R. (2009). *Financial accounting theory*. Pearson. 17.
- Venkatesh, P. C., & R. Chiang. (1986). Information asymmetry and the dealer's bid-ask spread: a case study of earnings and dividend announcements. *The Journal of Finance*, No, 41(5), PP, 1089-11020
- Wang, L. H. (2017). Accounting Quality and Information Asymmetry of Foreign Direct Investment Firms. *Research in International Business and Finance*. Volume 42. P. 950-958
- Yan, H., Xie, SH. (2016). How does auditors' work stress affect audit quality? Empirical evidence from the Chinese stock market. *China Journal of Accounting Research*. 9 (2016). 305-319
- Zahra, S. A., Priem, R. L., & Rasheed, A. A. (2007). Understanding the Causes and Effects of Top Management Fraud. *Organizational Dynamics*, 36, No, 2, pp, 122-139